



# شازده سرخ

## بازخوانی حمله خونین چریک‌ها به المپیک مونیخ ۱۹۷۲ به مناسبت ۴۸<sup>و</sup>امین سالگردش...

که مرگم کجا باشد، معرفت به خرج داد و مدال را مفتی مفتی کف دست‌هالت‌ریست افتخار آفرین ایرانی گذاشت و چنین شد که ۴۴ سال بعد از المپیک مونیخ، هنگام سفر تماشای آیان رئیس فدراسیون جهانی وزنه‌برداری به ایران در سال ۱۳۹۵ طی مراسمی به نصیری بازگردانده شد و او با حیرت یک‌دل سیر نگاهش کرد و واقعه مونیخ خونین یادش آمد:

بچه‌های مادر مونیخ داشتند هلخ هلخ مسابقه می‌دادند که بازی‌ها به هفته دوم رسید و ناگهان در یک نیمه شب وهم آلود، هول هولکی با صدای شلیک‌هایی از خواب پریدند. آنها از پنجره‌ها سرک کشیدند که ببینند بوی خون از کجایم آید که فهمیدند چریک‌های فلسطینی به رهبری «شازده سرخ» برای کشتن ورزشکاران اسرائیلی به دهکده حمله برده و ۱۱ جنازه روی دست المپیک مانده است. دوشنبه صبح وقتی گلوله‌ها خرج شد و پلیس دهکده را در محاصره خود درآورد بازی‌ها به حالت تعلیق درآمد. بلافاصله بعد از این واقعه، سازمان جاسوسی موساد جوخه‌ای مرگ آفرین تشکیل داد و خانم گلدامیر فرمانی صادر کرد که تک اعضای گروه فلسطینی سپتامبر سیاه را که عامل حادثه مونیخ بودند، هر جای دنیا که باشند، گیر بیاورند و به سزاشان برسانند. آنها انگار نمی‌دانستند که این چریک‌های بسیار جوان که عمرشان را کف دست‌شان گرفته‌اند از مرگ هراسی ندارند همچنان که به زندگی نیز آمیدی ندارند. آنها همین که با عملیات خونین خود دنیا را به سمت خود جلب کردند تا از بی‌عدالتی هاسخن بگویند، برایشان کافی بود. موساد مثل پسرهای حرف گوش‌کن به گلدامایر قول داد و در انتقام از این گروه شجاع دل، بسیاری از مبارزان فلسطینی را به خاک و خون کشید و از جمله علی حسن سلمه معروف به «شازده سرخ» رهبر عملیاتی گروه سپتامبر سیاه را نیز در جریان بمب‌گذاری در بیروت ترور کرد. گروه چریکی سپتامبر سیاه بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ علاوه بر گروه‌گنجگیری در المپیک مونیخ، عملیات‌های پرهیوایی مثل ترور نخست وزیر اردن، خرابکاری در تأسیسات آلمان، هواپیماربایی پرواز وین به اسرائیل از خطوط هوایی بلژیک و حمله به سفارت سعودی در خارطوم و کشتن وابسته سیاسی آمریکا و بلژیک را نیز در کارنامه خود داشت. بعدها استیون اسپیلبرگ فیلم ساده‌انگارانه «مونیخ» را بر اساس داستان حمله

در عالم کودکی پز بدھیم به دنیا که تیم ملی فوتبال مان برزیل را با تک‌گل حلوایی شکست داده است آن هم بعد از دوشکست رقت‌بار پنج‌گله و چهارگله از مجارستان و دانمارک. بین آن سال چه تیمی داشت برزیل که با یک امتیاز در ته جدول گروه مقدماتی قرار گرفت و ایران آیکش شده با ۹ گل خورده در دوبازی را هم به عنوان تیم سوم گروه، به عنوان آقایالاسرش دید!

کل دستاوردهای کاروان ایران از مونیخ دونفره و یک برنز بود که هر سه راهم به دست قهرمانان کوچولوی سبک‌وزن دورشته‌کشتی و هالتر به دست آورده بود: ابراهیم جوادی و رحیم علی آبادی در رشته‌های آزاد و فرنگی کشتی. و البته طبق معمول محمد آقانصیری از وزنه‌برداری که مدال آوردن همیشه روی شاخش بود. از قضا همان مدال نقره

بچه‌های مادر مونیخ داشتند هلخ هلخ مسابقه می‌دادند که بازی‌ها به هفته دوم رسید و ناگهان در یک نیمه شب وهم آلود، هول هولکی با صدای شلیک‌هایی از خواب پریدند. آنها از پنجره‌ها سرک کشیدند که ببینند بوی خون از کجایم آید که فهمیدند چریک‌های فلسطینی به رهبری «شازده سرخ» برای کشتن ورزشکاران اسرائیلی به دهکده حمله برده و ۱۱ جنازه روی دست المپیک مانده است.

مونیخ محمد آقاکمی بعد به سرفت رفت و دزدی که زندگی او را کاملاً جارو کرده و برده بود، زندگی او را به دست‌انداز انداخت اما سی سال بعد خبر خوش از آنجا رسید که یک اصفهانی زیروز رنگ مقیم خارج این مدال را اتفاقی در مزایده‌ای به قیمت ده هزار دلار دیده و خریده و آورده به ایران که با همان ده هزار تا هم به خود محمد آقا بفروشد اما رفقای محم دو وقتی به او پیغام پیغام دادند که ده هزار دلارم کجا بود



ابراهیم افشار  
Ebrahim Afshar

اکنون ۴۸ سال تمام از آن روزهای گذر. از آن شهریور داغ و خونینی که صبح از خواب بیدار شدیم و دیدیم که چریک‌های از جان گذشته‌ای المپیک مونیخ را تسخیر و جهان را حیرت‌زده کرده‌اند. دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۱ تقریباً ده روز از افتتاحیه بازی‌های المپیک ۱۹۷۲ می‌گذشت که ۷۱۱۳ زن و مرد قهرمان از ۱۲۱ کشور جهان را برای رقابت در ۲۱ رشته ورزشی در آغوش گرفته بود اما در سپیده‌دمی که کسی پیش‌بینی‌اش را نمی‌کرد خونین‌ترین واقعه المپیک، زیبایی‌شناسی استادیوم زیبای مونیخ را با آن معماری پیشروانه و مدرن‌اش مغلوب آرمانگرایی خود کرد. دقیقاً در همین روز‌ها بود. در یکی از همین شهریورهای داغ. هنوز آلمان متحد نشده بود و آلمان غربی برای شستن داستان‌های هیتلر خونخوارش در المپیک برلین ۱۹۳۶ در آذahan عمومی، بسیار برنامه‌ها تدارک دیده بود تا با میزبانی المپیک ۱۹۷۲ به عنوان رویدادی زیبا و صلح‌آمیز، از میزبانی قبلی خود اعاده حیثیت کند. دقیقاً ۴۸ سال پیش همین روز‌ها بود که در گرگ‌ومیش سپیده‌دم دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۱ هشت چریک از جان گذشته فلسطینی عضو گروه «سپتامبر سیاه» به خوابگاه ورزشکاران اسرائیلی مستقر در دهکده المپیک حمله بردند و دقایقی بعد جهان در حیرت فرو رفته را با درد و داغ‌های خود آشنا کردند. همان مونیخی که می‌خواست تساهل و امن بودنش را به رخ دنیا بکشد فردای روز حمله وقتی جنازه‌های کشته‌ها و شهیدانش را بغل هم چید، تازه فهمید که چرا با سهل‌انگاری بسیار، نتوانسته تداثیر امنیتی ویژه‌ای را تدارک ببیند که همه چیز به سلامت از سر بگذرد. در همان روزهای اول غیر از مسئولین کاروان آمریکا که معتقد بودند مردم عادی به راحتی وارد دهکده می‌شوند و برای ورزشکاران مامزاحمت ایجاد می‌کنند، مستر لالکین سرپرست کاروان اسرائیل نیز از بی‌درو پیکر بودن دهکده و دم دست بودن ورزشکاران میهمان، دل‌نگران